

# ضیاء العین فی المرآة الحسین

سروده  
محمد رحیم میرزا ضیاء الدولہ قاجار

تدوین  
شیخ محمد تقی دزفولی

تحقیق و تصحیح  
محمود طاہر احمدی







# ضیاء العین فی المراثی الحسین

سروده‌ی  
محمد رحیم میرزا ضیاء الدوله قاجار

تدوین  
شیخ محمد تقی دزفولی

تحقیق و تصحیح  
محمود طاهر احمدی

دبیر مجموعه  
رحیم نیکبخت

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۳-۸۲۵-۴

صفحه آرائی، طراحی جلد: واحد آماده سازی نشر سفیر اردهال

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: واحد تولید نشر سفیر اردهال

قیمت: ۳۰,۰۰۰ تومان

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۹

شماره نشر: ۱-۸۲۴

شمارگان: ۵۵۰ نسخه

نشانی دفتر: تهران، خیابان مفتح، خیابان سمیه، روبروی بانک ملی ایران، ساختمان ۱۱۸، واحد ۴

کد پستی: ۱۵۸۱۸-۷۴۷۱۵

تلفن مرکز پخش: ۸۸۲۱۳۸۹۸ - ۸۸۲۱۹۳۴۲ - ۰۲۱

www.safirardehal.ir

www.safirardehal.com

email: safirardehal@yahoo.com

© حق چاپ: ۱۳۹۹

هر گونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی و اقتباس در گیومه در مستند نویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از مولف ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

## فهرست مطالب

۹.....	یادداشت دبیر مجموعه.....
۱۳.....	پیشگفتار.....
۱۷.....	شیخ محمد تقی دزفولی.....
۱۸.....	درباره ضیاء العین فی مراثی الحسین (ع).....
۲۹.....	دیباچه کتاب.....
۲۳.....	بعد از تمجید پادشاه عدل گستر و ولیمهد دین پرور، رجوع به اصل مقصود که عبارت از لب عشق است.....
۳۶.....	تمهید مقدمه در شهادت غریب و قتل مسلم بن عقیل و ذکر وقایع آن.....
۳۷.....	شروع در اصل مقصود و سبب مطلب.....
۴۲.....	در میان محاربه مسلم با ییوفایان کوفه و ذکر شبهات آن.....
۴۷.....	تمهید کلام در احوال طفلان مسلم و مآل کار ایشان.....
۴۹.....	وقایع اسیری و کیفیت دستگیری و حبس آن دو طفل.....
۵۱.....	رجوع به قصه طفلان و استفسار زندانیان از حال ایشان.....
۵۲.....	گریز در مقدمه کربلای پر بلا و شرح آن.....
۵۳.....	رجوع به اصل قصه و ترجم زندانیان به آن طفلان و گریزاندن ایشان.....
۵۴.....	وقایع بعد از استخلاص ایشان که اصل ابتلاست.....
۵۵.....	مهمان شدن آن دو طفل و اضطراب ایشان در آن شب.....
۵۷.....	ابتلای آن دو طفل اسیر در خانه حارث و آگاهی آن ملعون از آن مقدمه.....
۵۹.....	تحقیق لب معنی حدیث نبوی (ص) که الصلواه معراج المؤمنین.....
۶۳.....	شکر و شکایت حضرت ناظم.....
۶۵.....	شروع در مقدمه وقایع اهل بیت در کربلا.....
۶۷.....	احوال و هب بن عبدالله کلی.....
۶۸.....	رجز سرانی عابس در سرای کین و محاورت او با مشرکین و شهادت او به تیغ کوفیان لعین.....
۷۰.....	وقایع جانسوز داستان غم اندوز روز عاشورا.....
۷۲.....	رجوع نمودن حر بن یزید ریاحی از کفر و جان باختن آن در رکاب مستطاب آن حضرت.....
۷۵.....	برخی از مناجات حضرت ناظم با قاضی الحاجات.....
۷۶.....	ذکر مبارزات جون که غلام معلوک آن حضرت بود و دعای آن حضرت در حق او.....
۷۷.....	ذکر رخصت خواستن حبیب بن مظاهر میدان جنگ را و وقایع آن.....
۷۸.....	رخصت گرفتن حبیب از امام (ع) و مکالمه او با اهل کوفه و شام.....
۷۹.....	خبرگی اهل کوفه و شام و مبارزه خواستن از امام (ع).....
۸۰.....	آغاز مبارزات و شهادت حضرت علی اکبر (ع).....

- ۸۲..... مقدمه‌ای در میدان رفتن حضرت علی اکبر (ع) و ذکر وقایع آن
- ۸۴..... ذکر مقاتله علی اکبر (ع) با کفار در بیان مکالمه او با اشرار و رجز آن حضرت
- ۸۵..... مراجعت علی اکبر به نزد پدر و اظهار عطش به آن حضرت (ع)
- ۸۷..... امر کردن حضرت علی اکبر (ع) را به رفتن خیمه و وداع اهل حرم محترم
- ۹۰..... آب خواستن حضرت علی اکبر از پدر و خاتم دادن حضرت به او از قحط آب
- ۹۰..... رفتن علی اکبر به میدان کین و مقاتله او با مشرکین و شهادت آن نور دیده سید المرسلین
- ۹۱..... بعد از استغاثه علی اکبر به پدر، شرح حالی از او به مادر و مکالمات با قاتل ستمگر
- ۹۳..... رخصت خواستن شهید متحن قاسم ابن الحسن (ع)
- ۹۴..... رخصت گرفتن قاسم و رفتن او به میدان قتال و رجز آن حضرت (ع)
- ۹۵..... مبارزات قاسم با ازرق شامی و دعا گفتن آن حضرت او را
- مقدمه مبارزات زبده ناس حضرت عباس و برخی از مقامات عشق و عاشقان و رجوع به
- ۹۸..... قصه وی
- رجوع به قصه حضرت عباس و رفتن آن برگزیده ناس به حرب آن قوم
- ۱۰۰.....
- ۱۰۱..... رخصت خواستن حضرت عباس از آن حضرت علیه السلام
- اذن دادن حضرت عباس را به مبارزات و به میدان در خبر و مکالمه و ذکر شهادت آن
- ۱۰۱..... حضرت
- عزم نمودن حضرت به میدان قتال در حالی که هیچکس از اصحاب و اصفاد نبود
- ۱۰۴.....
- آوردن مادر علی اصغر آن طفل را در نزد پدر که به جهت او تحصیل آبی کند
- ۱۰۵.....
- بردن آن حضرت، اصغر را به میدان و آب خواستن از کوفیان و ذکر شهادت آن طفل
- ۱۰۶.....
- شروع در مقدمه رفتن حضرت به میدان و گریز به مکاشفه ابراهیم خلیل و ذبح اسماعیل
- ۱۰۹.....
- رجوع به قصه به میدان رفتن آن حضرت
- ۱۱۵.....
- آهنگ نمودن آن حضرت به میدان جنگ بعد از شهادت اولاد و اصحاب
- ۱۱۶.....
- وصیت آن حضرت به سید سجاد و وداع اهل حرم محترم
- ۱۱۷.....
- رفتن حضرت به میدان مبارزه و پند و نصیحت آن قوم بدسیرت و انجام صحبت و گفتن
- آن حضرت به لفظ گهربار و چشم اشکبار هل من ناصر ینصرنی و هل من معین یعنی
- بعد از وداع اهل حرم
- ۱۱۷.....
- رسیدن شاه جنیان زعفر به خدمت آن سرور در اذن قتال خواستن از آن برگزیده خالق
- ۱۱۸..... اکبر
- ورود ملائکه نصرت در خدمت آن حضرت و اذن خواستن در هلاک آن قوم بدسیرت
- ۱۱۹.....
- نزول ملک وحی و تنزیل حضرت جبرئیل در خدمت ولی رب جلیل به یاری آن حضرت
- دادن و اذن ندادن
- ۱۲۰.....
- تاخت آوردن سید انس و جان به جانب میدان و نصیحت اهل طغیان و رجز آن حضرت و
- ۱۲۳..... مبارزت

- داستان معجز بیان شیر ژیان و پادشاه هندوستان و استمداد از امام زمان (ع) ..... ۱۲۵
- رفتن آن حضرت از ارض کوفیان به معجزه امامت به هندوستان به جهت نجات قیس از شیر ..... ۱۲۵
- نجات دادن آن حضرت قیس را از شیر و مکالمات آن حضرت با قیس و جوابش ..... ۱۲۶
- مراجعت امام از هندوستان به میدان و مبارزت او با اهل طغیان ..... ۱۲۸
- در واردات قلبی و مخاطبات هاتف گوید ..... ۱۳۰
- باز آمدن امین وحی به دشت کربلا و آوردن عهدنامه و مشاهده نمودن اوضاع پرملا آن زمین برخطر و هولناک ..... ۱۳۲
- دیدن جبرئیل آن حضرت را تنها و مشاهده نمودن نور یزدانی و کبریایی سبحانی ..... ۱۸۲
- گذاردن جبرئیل (ع) پیغام رب العزه در این عهدنامه ..... ۱۸۲
- فرمودن آن حضرت جواب جبرئیل علیه السلام را ..... ۱۸۲
- بازگشتن جبرئیل علیه السلام و مخاطبه هاتف غیبی به ناظم در پی بیوفایی دنیا ..... ۱۸۲
- قصه پر غصه شهادت آن حضرت علیه السلام ..... ۱۸۲
- الهامات غیبی از جانب ملک علام به امام علیه السلام ..... ۱۸۲
- خطاب آن حضرت به ذوالجناح و عرض فرمایشات ..... ۱۸۲
- رو آوردن عبدالله بن الحسن به میدان کین به یاری نور چشم سید المرسلین ..... ۱۸۲
- رونهادن شاهزاده به میدان کین و بانگ اذن سلطان دین به خواهر غمین احسیه و معنوع شدن شاهزاده و به شهادت رسیدن در کنار سید العاشقین ..... ۱۸۲
- وقایع بعد از شهادت آن حضرت و تغییر در وجود کاینات و اضطراب ..... ۱۸۲
- امر کردن رب جلیل جل جلاله به جبرئیل در کشف غطا و آشکار نمودن جانبازی آن حضرت در راه خدا به جهت ساکنان ملاء اعلی ..... ۱۸۲
- در تحریر مؤلف از وقوع این واقعه و شرح زبان حالی از آن حضرت به موسی بن عمران ..... ۱۸۲
- برخی از عشاقی آن سرور به زبان حال با خنجر شمر ستمگر و جواب خنجر به آن سرور ..... ۱۸۲
- تافتن سر مبارک شهید کربلا از فراز آسمان و آمدن ذوالجناح حسب الفرموده امیر عاشقان ... ۱۸۲
- برخی از تحسیر مؤلف سلمه الله تعالی و شرح عشاقی خود ..... ۱۸۲
- داستان ساریان بدگهر و بریدن انگشت مبارک آن سرور و بردن انگشت ..... ۱۸۲
- رجوع به قصه موسی و طور و تجلی که نور از جانب رب غفور ..... ۱۸۲
- شروع در وقایع جاسوس و غارتگر دل‌های غم‌اندوز ناراج کردن و آتش زدن به خیام آن حضرت ..... ۱۸۲
- در بیان تعزیت داری، جبرئیل بر آن برگزیده رب جلیل با کروبیان ..... ۱۸۲
- خطاب جناب رب جلیل جل جلاله به حضرت جبرئیل و امر نمودن او را که خیر شهادت را به اهل بیت مظلوم رساند ..... ۱۸۲
- اختتام کلام ناظم در توسل به حضرت قائم عجل الله فرجه ..... ۱۸۲

## پیشگفتار

واقعه محرم سال ۶۱ ه.ق رویدادی تاریخی است، مانند دیگر رخداد‌های بی‌شماری که در زندگی جمعی انسان رخ نموده و بسیاری از آنها نیز فراموش شده‌اند و حتی نشانی از آنها در دست نیست. در این میان ماندگاری رویداد کربلا بیش‌تر به سبب وابستگی آن به دین است و انگیزه اصلی برپائی سوک سید الشهداء (ع) و یاران شهیدش مقوله‌ای، دینی، اساساً رخدادهایی که از مذهب برمی‌خیزند به اندازه قدر و اهمیت آنها در نزد مؤمنان ماندگارتر و بی‌زوال‌ترند. به ویژه آن که به صورت شعائر در آیند و همواره در قالب مناسک و آداب اجرا شوند. در واقعه محرم ۶۱ ه.ق، صرف نظر از مقام و موقعیت امام حسین (ع) و آنچه در آن حادثه فجیع و اسفناک بر خاندان پیامبر اکرم (ص) گذشت، آنچه بیش‌تر بر ماندگاری و جاویدان شدن آن افزود، زنده نگاه داشتن مصائب خاندان پیغمبر (ص) از طریق اجرای مراسم عزاداری محرم است که به یکی از شعائر اصلی تشیع دوازده امامی درآمده است. در میان مراسم سوگواری سرور شهیدان، روضه‌خوانی اهمیتی خاص دارد و به خصوص در روزگار قاجاریه بر رونق و اهمیت آن افزوده گشت که به گفته محدث نامی حاج میرزا حسین نوری (۱۲۵۰ - ۱۳۲۰ ه.ق / ۱۲۱۳ - ۱۲۸۲ ش) علت رواج آن پراکنده شدن کتاب «روضه الشهداء» تألیف ملاحسین کاشفی (وفات ۹۰۶ یا ۹۱۰ ه.ق) در میان مردم بوده است.<sup>۱</sup>

کاشفی کتاب روضه الشهداء را به فارسی نوشت و بدین سبب در سراسر ایران پراکنده شد و شیعیان به خواندن آن در مجالس سوگواری مایل شدند، اما به علت وجود جمله‌ها و عبارات‌های مغلق و دشواری خواندن آن، فقط کسانی می‌توانستند این کتاب را برای دیگران بخوانند که درست

۱. میرزا حسین نوری، روضه‌الوعد و مرجان، بی‌تا، ۷-۸.

خواندن آن را فرا گرفته و از این رو به روضه خوان مشهور شده بودند، با رواج روضه خوانی در مجالس سوگواری، مقتل نویسی به نظم و نثر فارسی نیز متداول شد که بیش تر آنها در روزگار فرمانروایی ناصرالدین شاه (۱۴ شوال ۱۲۶۴/۱۷ ذی قعدة ۱۳۱۳-۲۲ شهریور ۱۲۲۷/۱۲ اردیبهشت ۱۲۷۵) به شیوه چاپ سنگی به چاپ رسیدند و منتشر شدند.

یکی از کسانی که در عصر ناصری به عرصه مقتل نویسی گام نهاد و وقایع محرم و پاره‌ای از حوادث مربوط به آن را بدون توجه به نقد و ارزیابی منابع مورد نظر خود به نظم کشید، محمد رحیم میرزا ملقب به ضیاءالدوله و متخلص به عشیقی بود. ضیاءالدوله فرزند نوزدهم عباس میرزا نایب السلطنه که خط و ربط درستی داشت و پاره‌ای از علوم متداول زمان خود از جمله ادب فارسی و عربی آموخته بود، در سال ۱۲۶۸ ه.ق، به حکمرانی خوی گماشته شد و سپس در ۱۲۷۴، سلماس نیز به حوزه حکمرانی او افزوده گشت. و سرانجام در شصت سالگی در سلماس درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

شیخ محمد تقی دزفولی گردآورنده اشعار و مراثی ضیاءالدوله در معرفی او نوشته است:

ایشان خود مراتب علوم را حادث و مقامات فنون را مطاوی بوده، رعایت اهل فضل و هنر بسیار کردی و دقیقه‌ای بی صحبت اهل کمال به سر نبردی، هنگام فراغت از معضلات امور مملکت داری مجمعی از فضلا و اهل کمال ترتیب دادی و اوقات را به افاضه و استفاضه و مذاکره علوم مصروف داشتی، گاهی از تفسیر آیات صحبت کردی و زمانی به نشر احادیث کوشیدی، دمی از مقامات ملوک دم زدی و لحظه‌ای به تواریخ و سیر ملوک سیر نمودی و پاره‌ای از اوقات به صحبت شعر میل کردی و با آن همه کثرت مشاغل گاهی به استعداد فطری و قابلیت ذاتی، شاهباز خیال را به صید بدایع افکار پرواز داده شعر گفتی. صاحب معانی دقیقه بلند و

۱. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، ج ۳، تهران، زوار، چاپ چهارم، ۱۳۷۱، ص ۳۹۷ و نیز ج ۵، ص ۲۴۶. ضیاءالدوله فرزندش به نام انوشیروان میرزا داشت که بین سال‌های ۱۳۰۱-۱۳۰۵ ه.ق حاکم سمنان، دامغان و شاهرود بود. همان، ج ۱، ص ۱۷۳



الفاظ دل‌پسند است و در رسوم سخن طرازی، طرزی خاص دارد که شباهتی به کلام دیگران ندارد. قطعه و قصیده و غزل بسیار گفته و از همان فکرت خود گهرهای شایان سفته، اما هیچ یک از آن‌ها به پایه مثنوی ایشان که در مرثی انشا فرموده نیست. زیرا که فی الحقیقه در آن مثنوی ملاحظه طرز و تزیین و تسجیع و تجنیس شاعری نکرده بلکه به مفاد حدیث «ماقال قائل فینا بیت شعر حتی یوید بروح القدس» واردات غیبی است که به زبان گهرفشان ایشان جاری شده و از این جاست که کلام ایشان را حالتی است خارق و اشعار ایشان به مذاق عاشقان عارف و عارفان عاشق موافق است.<sup>۱</sup>

نگرش ضیاءالدوله به واقعه کربلا عارفانه و عاشقانه بود و در این نگاه به پیشینیان خود نظر داشت و شهادت را انتخاب آگاهانه و عاشقانه شهید می‌دانست و در سراسر مثنوی خود به توضیح و تبیین این دیدگاه پرداخته است. پیش از ضیاءالدوله، ملاحسین کاشفی که به گمان ما محمد رحیم میرزا نیز به روضه الشهدای او توجه کرده و از آن بهره‌ها گرفته بود، بر این باور بود که امام حسین (ع) «سرآمد اهل بلا و سردمدار کاروان عشق و صفاست که ابراهیم آسا به میدان ابتلا درآمده و سرافراز از آن معرکه بیرون رفت.»

کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی با توجه به معنی و مفهوم عبارت «البلاء للولاء کالذهب للذهب» نوشته است: «بلا متوجه اهل ولاست و محنت متعلق به ارباب محبت. هر جایی که بنای محبت نهاده‌اند، دری از محنت در وی گشاده‌اند و در هر میدان که لوای بلا بر افراخته‌اند، فوج بلا را ملازم او پای علم ساخته‌اند و هر که را حق سبحانه و تعالی دوست دارد او را به بلا مبتلا سازد و به محن ممتحن گرداند.» از این رو «بلا نه شربت شیرین است که اطفال طریقت را دهند بلکه قدح زهر هلاهل است که بر دست بالغان راه نهند»<sup>۲</sup>

۱. ضیاءالعین. مقدمه شیخ محمدتقی دزفولی: ۴.

۲. ملا کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی بیهتی. روضه الشهدا، به تصحیح محمد روشن، تهران،

صدای معاصر، ۱۳۹۰. ص ۳۳